



← گفت و گو یک نوع تعامل واقعی گفتاری بین افراد و جریان هایی است که در سطح جامعه فعالیت می کنند و می خواهند در فضای عمومی مشارکت داشته و تأثیرگذار باشند. گفت و گو الزامات و بسترهایی دارد که باید در یک فضای برابر به جهات مختلف آزادی، امنیت و عدالت بتواند تحقق پیدا کند. اگر گفت و گوی واقعی بخواهد شکل بگیرد باید بر اساس یک فضای آزاد ایجاد و امنیت تأمین شود. یک گفت و گو باید با احترام، اطمینان و اعتماد متقابل همراه باشد، طبیعتاً هر کدام از اینها وجود نداشته باشد ما نمی توانیم بگوییم یک گفت و گوی واقعی تحقق پیدا کرده است. تا طرفین از آزادی اظهار نظر بهره مند نباشند و تا عدالت حاکم نباشد گفت و گو شکل نمی گیرد. به لحاظ نظری مراکز علمی ما از جمله دانشگاه ها نقش مهمی می توانند ایفا کنند البته نه فقط در گفت و گو بلکه

است که می توانیم بگوییم گفت و گو قادر است این ناملایمات و ناهنجاری ها را کاهش دهد. گفت و گو یک مهارت است که باید طی یک فرایند واقعی و عملی آن را آموزش ببینیم و تمرین کنیم و این چیزی است که در نهادهای تعلیم و تربیت ما غایب است. امروزه مرکز و نهادی را نداریم که بیاید چگونه گفت و گو کردن و چگونه تفکر کردن را به ما یاد دهد. در آموزش و پرورش باید از ابتدا فرزندانمان را طوری پرورش دهیم که گفت و گو را به خوبی بیاموزند. نام دیگر گفت و گو همان گفت و شنود است چون شخصی می گوید و دیگری می شنود و متقابلاً برعکس می شود و مونولوگ محور نیست. بخشی از ناملایمات زندگی امروزه ما نشأت گرفته از گفت و گو نکردن ماست. ما به خوبی آموزش ندیده ایم و گفت و گو محور نیستیم. بنابراین مانند رانندگی ما می ماند که تخلفاتی که اتفاق می افتد ریشه در آموزش

می تواند با گفت و گو خاتمه پیدا کند. آن چه که اکنون هم در بین نامزدهای انتخاباتی در فضای مجازی مرسوم است، می تواند کمک کننده باشد و مفید واقع شود ولی باید کاری کنیم این فرهنگ پرسش و پاسخ و گفت و گو استمرار پیدا کند و بعد از انتخابات هم گفت و گو داشته باشیم تا ناملایماتی که وجود دارد کاهش و این ارتباط و همبستگی اجتماعی افزایش پیدا کند. به نظر من امروزه دسته ای از افراد به سمت سکوت و گوشه نشینی می روند و دسته ای به سمت گفت و گو. افراد فرهیخته جامعه با توجه به فضای بد اخلاقی هایی که در جامعه شکل می گیرد، گوشه نشینی را انتخاب می کنند و کمتر در مجامع عمومی حضور پیدا کرده و کمتر به ارائه نظرات و ایده هایشان می پردازند اما جامعه ما چاره ای جز گفت و گو ندارد و باید از این مسیر گفت و گو حرکت کرده و مشکلاتمان را

گفت و گو، گم شده ما



مسائل دیگر اجتماعی. دانشگاه ها می توانند نمونه های عینی از الگوهای گفت و گو را ارائه کنند و افرادی هم مانند استادان و هیأت علمی گفت و گوهایی بین خودشان انجام دهند که البته امروزه کم تر دیده می شود. در واقع خود دانشگاه ها در ابتدا باید ما بین خودشان گفت و گوهایی را ایجاد کنند تا به سطح جامعه هم الگوهایی را وارد کنند. گفت و گو را یک عنصر وجودی می بینم که اگر بخواهد تحقق پیدا کند هم در خود فرد باید این اتفاق رقم بخورد که عمیقاً اعتقاد داشته باشد به گفت و گو، هم در نهادی که در حال خدمت است به صورت واقعیت عینی و اجتماعی تحقق یافته باشد. بنابراین ممکن است گاهی گفت و گوهایی را شاهد باشیم که نمی توانند نمونه های عینی داشته باشند و زمینه هایی بیرونی و کارایی چندانی نداشته باشند. بنابراین باید ابتدا در جایی تحقق یافته و سپس به درون جامعه تزریق شود. در خلاهای اجتماعی نقش اساسی فقدان گفت و گو نیست بلکه عوامل دیگری نیز دخیل هستند. هر چند که می توانم تصدیق کنم که جامعه ما گفت و گو محور نیست و در مجامع علمی ما نیز گفت و گو، گمشده ما است اما این معلول عوامل بسیار دیگری

نادرست است. گفت و گو می تواند تمام خلأها را کاهش دهد و از ناملایماتی ها بکاهد. فردی که گفت و گو نمی کند می تواند آسیب های زیادی را متحمل شود. این فرد اگر در زندگی شخصی خود و بعدها در زندگی اجتماعی اش دچار مشکل و ناهنجاری شود و اگر گفت و گو نکند روز به روز در باتلاق تنهایی و مشکل فرو می رود و هیچ کدام از مسائلی که برایش پیش آمده حل نمی شود. در زندگی اجتماعی افراد نباید گفت و گو را فراموش کنند. ادبیات و فرهنگ کهن ما که به صورت تک گویی و مونولوگ محور است تا حد زیادی بر افراد جامعه ما تأثیر داشته هر چند عوامل دیگری هم دخیل بوده است مانند شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی. نکته ای را یاد آوری می کنم که سنت مباحثه حوزوی که در حوزه های علمیه ما رواج داشته یک بستری را برای نهادینه کردن گفت و گو ایجاد کرده و تأثیر زیادی داشته است. گذشته از نوع حکومت ها و شرایط فرهنگی و اجتماعی، نظام تربیتی ما نتوانسته است افراد را آن طور که شایسته است در گفت و گو تربیت کند. سخنرانی یک ابزار پیام رسانی است که

حل کنیم. اگر نخبگان و فرهیختگان در عرصه جامعه گفت و گو نکنند، جامعه دچار آسیب های زیادی می شود و شاید بتوان گفت به نوعی رفتارهای غیر اخلاقی شکل می گیرد. گفت و گو با کسانی که متفاوت از ما فکر می کنند اتفاق می افتد. اگر با افرادی که هم عقیده و هم فکر ما هستند صحبت کنیم در واقع گفت و گویی شکل نمی گیرد و هنگامی مصداق پیدا می کند که سلاقی، نظرات و تفکرات مختلف کنار هم بنشینند و در یک فضای چالشی شکل بگیرد. باید از نخبگان جامعه استفاده کنیم تا بیایند و با یکدیگر به گفت و گو بپردازند و فضای جامعه را به سمت پرسش و پاسخ پیش ببرند. تا زمانی که ما گفت و گو محور نباشیم آسیب های زیادی را به داخل جامعه تزریق می کنیم و نه تنها مشکلات فعلی را حل نمی کنیم بلکه به تعداد آنها اضافه نیز می کنیم. اساساً زندگی اجتماعی بدون گفت و گو افراد با یکدیگر معنایی ندارد. زمانی که افراد به مشکل می خورند تنها از راه گفت و گو است که می توانند به راه حل دست پیدا کنند. در گفت و گو افراد به راه حل هایی می رسند که شاید به تنهایی هرگز به آن راه ها نرسند. ■